



کارگری برای پول؛ کارآفرینی برای صهیونیسم

علیرضا سلطانشاهی

مقدمه

از کارگری تا کارآفرینی عنوان کتابی است که ژاک ماهفر یهودی ایرانی تبار مقیم ژنو به نگارش درآورده و در سال ۱۳۹۰ منتشر کرده است. این اثر از آن جهت اهمیت دارد که بازگوکننده بخش مهمی از تاریخ یهود ایران، قبل، مقارن با انقلاب اسلامی و تحولات پس از آن است.

خاطره‌نویسی در تاریخ‌نگاری معاصر ایران به ویژه پس از انقلاب اسلامی گسترده و وسیعی یافت گویی همگان به ویژه معاندین انقلاب اسلامی و مخصوصاً یهودیان صهیونیست، فرصت آن را یافتند که فارغ از استناد و استدلال در یک قالب محکم و استوار پژوهشی، با بکار گرفتن احساس مخاطب، القائات ناروای خود از یک زندگی سراسر پول پرستی و عناد با ملیت و دین این مرز و بوم را در قالب انسان دوستی و خدمت به تصویر بکشند. ژاک ماهفر از آن دسته از یهودیان ایرانی است که با نگارش این کتاب سعی بر آن دارد تا تمام اقدامات ریز و درشت خود را، خدمت به ایران و ملت جلوه دهد و خود را خادم و



خبررسان جامعه یهودی حتی در خارج از کشور مطرح نماید؛ تا جایی که اموال خود را بی کم و کاست در این مسیر هزینه کرده است. در حالی که با استفاده از همین کتاب می توان به زپرستی و خدمت او به صهیونیسم و منافع یهود علیه ملت ایران به وضوح تمام پی برد. معرفی کتاب:

عنوان: *از کارگری تا کارآفرینی* (زندگی نامه و خاطرات ژاک ماهفر، از جوباره در اصفهان تا تهران و ژنو در سوئیس)

تدوین و ویرایش: گوئل کوهن

حروف چینی و صفحه بندی: رها-لندن

چاپ و صحافی: H.S.Mortazavi Co

بنیاد فرهنگی ماهفر - ژنو - سوئیس

چاپ دوم: پاییز ۱۳۹۰

تعداد صفحات: ۲۵۳

قطع: وزیری

زندگینامه

وی متولد ۱۳۰۹ در جوباره اصفهان از پدر و مادری یهودی به نام های منزال و حاج هیلل ماه گرفته است. برادران او صیون (سعید) و دانیال (گر جی) و خواهران او فرّخ و یافا نام داشتند.

نام اصلی او «زکریا ماه گرفته» است که به ژاک ماهفر تغییر داده و از این به بعد در متن از او با ماهفر یاد خواهیم کرد. ماهفر محل زندگی خود و خانواده اش در جوباره اصفهان را بسیار فقیرانه و در کوچه حاجی سلیمان ذکر می کند آن هم با یک اتاق کوچک گلی و نمور. وی سپس به ویژگی های جوباره و معرفی آن در اصفهان که زمانی یهودیه نام داشت می پردازد. از جمعیت ۱۵ تا ۲۰ هزار نفری یهودیان در آن و مشاغل عمده آنها از جمله پارچه فروشی، دوره گردی، لحاف دوزی، نخریسی، فال گیری و کودورزان یاد می کند.

در این محله امور حقوقی و قضایی روزمره یهودیان بر عهده خودشان بود. وجود کنیسه و مدرسه، آنها را از مسائل تربیتی و آموزشی به خارج از محله بی نیاز می کرد. در واقع به غیر از پخت نان لواش، تمام کارها بر عهده یهودیان خود محله بود. یعنی یک گتوی واقعی در داخل اصفهان. چرا که اقتضای دینی از جمله تهیه کاشر و یا حمام آنها در قالب میقوه و اجرای مراسمات مذهبی، این امکان را نمی داد که به خارج از محله متصل

ژاک ماهفر از آن دسته از یهودیان ایرانی است که با نگارش کتاب *از کارگری تا کارآفرینی* سعی بر آن دارد تا تمام اقدامات ریز و درشت خود را، خدمت به ایران و ملت جلوه دهد و خود را خادم و خیررسان جامعه یهودی حتی در خارج از کشور مطرح نماید

باشند. ماهفر از اهلیت شائول موفاز وزیر جنگ اسبق رژیم صهیونیستی یا پدر معین خواننده معروف آن سوی آبی به عنوان هم‌محلّه‌ای خود در جوّاره نام می‌برد. برپایی مدارس آلیانس که پدر ماهفر با شغل بزازی در آن تحصیل کرده بود، کانونی بود برای ورود یهودیان به یک سازمان و شبکه فراگیر صهیونیستی که ظاهراً رسالت علمی داشت. و ماهفر نیز با همین رویکرد همچون پدر پس از اتمام دوره چهارساله ابتدایی در مدرسه بهشت آئین که مسیونری و مسیحی و تابع لندن بود، وارد دبیرستان اتحاد یا آلیانس کلیمیان شد و از کلاس دهم به بعد نیز وارد مدرسه ادب گردید که آن هم مسیونری مسیحی بود.

ماهفر در کنار حضور خود در مدارس و تحصیل، بخشی از وقت خود را صرف حضور در باشگاه پیشاهنگی یهودیان یا خلوتص که تشکیلاتی جهانی داشت و مرکز آن در امریکا بود، می‌کرد. ماهفر در کنار تحصیل با آغاز فعالیت در کنار یک پزشک به کار در تابستان‌ها می‌پرداخت و ذوق و استعداد خود را در ساختن دارو در همین ایام کشف کرد. او همراه با دکتر منظورالله برای طبابت به اطراف شهر می‌رفت و ضمن فراگرفتن تجربی طبابت و داروسازی، اقلام اهدایی بیماران را در محله داد و ستد می‌کرد و پولی به دست می‌آورد.

مهاجرت به تهران

بیماری پدر و ابتلای او به «سل استخوان» دلیل اصلی مهاجرت ماهفر همراه با خانواده با کمک دایی به تهران ذکر شده است؛ در زمانی که در سال دوازدهم تحصیل می‌کرد و می‌بایست در زمان ناتوانی پدر برای کار، کمک هزینه‌ای هم برای خانواده تهیه کند. از همین رو با تجربه اندک از همراهی با پزشکان در اصفهان، در تهران به داروسازی و اشتغال در داروخانه جذب می‌شود.

او به زحمت و با واسطه در داروخانه ری متعلق به موسی برال از بزرگان یهود تهران که زمانی هم نماینده مجلس بوده است، مشغول به کار می‌شود تا هزینه زندگی خود و خانواده‌اش را در یک زیرزمین متعلق به محله کلیمیان تهران تأمین نماید. ماهفر با کمک انجمن کلیمیان و با آشنایی با پزشکان متخصص، موفق به درمان



مدارس آلیانس که پدر ماهفر با شغل بزازی در آن تحصیل کرده بود، کانونی بود برای ورود یهودیان به یک سازمان و شبکه فراگیر صهیونیستی که ظاهراً رسالت علمی داشت

پدر پس از تهیه داروهای گران قیمت می شود و او را از مرگ رهایی می بخشد و تعجب آور اینکه حال پدر به قدری مناسب می شود که از آن زیرزمین کوچک و نمود برای گرفتن نمایندگی فروش خمیر دندان دنتال راهی فرانسه می شود تا به عنوان یک یهودی در تهران مناسبات تجاری خود را سر و سامان دهد و تا حدودی تا قبل از مرگش در سال ۱۳۴۲ به این موقعیت نیز نائل می شود.

آغاز فعالیت جدی ماهفر در عرصه تجارت دارو

فعالیت دو ساله ماهفر در داروخانه ری که همراه با سختگیری فردی به نام زرنگ زاده بود به پایان می رسد و معلوم نیست که وی چگونه ۱۰۰ تومان فراهم کرده تا سربازی خود را در دوره مصدق بخرد و از داروخانه هم استعفا دهد و اتفاقاً با همان زرنگ زاده شریک شده و بنگاه دارویی «رکس» را به صورت مشترک تأسیس نماید.

ماهفر از همکاری با زرنگ زاده به صورت کامل متضرر شده و شراکت با وی را نیز بر هم می زند تا در مرحله ای دیگر با واسطه گری در خرید و فروش دارو از صفر آغاز کند و «شرکت ماهفر» را برپا سازد.

ماهفر در مرحله جدید ذیل بنگاه دارویی رکس تحرک جدید را آغاز کرد و سپس با توصیه پدرش که پس از بهبود در تهران ساکن شده بود، دو برادر خود را به عنوان شریک برگزیده و شرکت ماهفر را با مسئولیت محدود به نام زکریا ماه گرفته و برادران تأسیس می نماید.

آنها در مدت زمان کوتاه با صرفه جویی در هزینه ها و انجام تمام مراحل کار بدون گرفتن نیرو موفق به گرفتن نمایندگی شرکت های دارویی خارجی نیز می شوند؛ از جمله هوسمن، برجیس، روتر، زیگفرد، آسترا، جور جیا سویا، کی زی، لاکیتزا.

همکاران ماهفر در ادامه کار نیز باز هم عمدتاً یهودیان بودند؛ از جمله اجاره دفتر و عقد قرارداد با ملیحه کشفی همسر جمشید کشفی نماینده یهودیان در مجلس و یا لطف الله حی رئیس سندیکای واردکنندگان دارو؛ یا افراد مشکوک و سودجویی همچون عبدالکریم ایادی در دربار.

ماهفر در ادامه کار و گسترش فعالیت، ساختمان ۵ طبقه ای را در بزرگمهر مخصوص نگهداری دارو می سازد تا امور مربوط به تجارت و نگهداری دارو تماماً در آن محل انجام

ماهفر ضمن کمک به برخی افراد مسئول در دوره پهلوی برای فرار از ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچون دکتر معنوی از مسئولان سازمان دارو، تلاش و تکاپویی را آغاز می کند که شرکت خود را به مسئولین ذیربط واگذار نماید و با رعایت قوانین حاکم، کشور را ترک نماید

پذیرد. بزرگی این ساختمان و پارکینگ آن حتی به کار بزرگان یهودی تهران می آید و نیروهای شرکت تا زمان وقوع انقلاب به ۷۰ تا ۸۰ نفر بالغ می شود. شرکت ماهفر در جریان تجارت دارو در ایران به موقعیت های ذیل دست می یازد:

- بدست آوردن نمایندگی بزرگترین کارخانه تولید مواد بی حسی جهان به نام آسترا (Astra) در سوئد

- گذراندن دوره کارورزی در لندن از طریق شرکت آلن اند هامبوری (شرکت داروسازی انگلیسی)

- برپایی شرکت دارویی ایران دراگ و تصاحب ۵۰ درصد سهام آن

- تغییر بنیادین در تبلیغ و سیستم توزیع با همکاری شرکت استرا

- کسب نمایندگی و ورود پماد پن کیلر با رفیق بازی برای پدرزن خود

- ورود قرص مولوکواز کارخانه هوسمن که برای ازدیاد شیر مادر مفید بود

- ریشه کن کردن [؟!] بیماری سل با وارد کردن داروی آن به ایران

- تلاش برای راه اندازی کارخانه تولید دارو و با شرکت استرا که اولین اقدام برای تولید

به جای وارد کردن دارو بود که به قول خودش انقلاب اسلامی مجال آن را نداد.



ژاک ماهفر در کنار شیمون پرز رئیس سابق رژیم صهیونیستی



کمک‌های مالی، معنوی و سیاسی ماهر به یهودیان ایران چه قبل از انقلاب و چه پس از آن و چه در ایران یا خارج از ایران، جایگاه خاصی در این خاطره‌سازی دارد

ماهر ضمن کمک به برخی افراد مسئول در دوره پهلوی برای فرار از ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچون دکتر معنوی از مسئولان سازمان دارو، تلاش و تکاپویی را آغاز می‌کند که شرکت خود را به مسئولین ذیربط واگذار نماید و با رعایت قوانین حاکم، کشور را ترک نماید. در این بخش از داستان، ماهر بیان نمی‌کند که اساساً به چه دلیلی خواستار خروج از کشور است و ثانیاً اگر پولی از دولت بابت واگذاری شرکت نگرفته و به قولی معامله‌ای نکرده است، چه دلیلی دارد که طی یک توافق، شرکت را واگذار نماید. او می‌توانست بدون اطلاع از ایران فرار کند. چرا که بعدها نیز با عملکرد خود نشان داد که دیگر نمی‌توانست به ایران بازگردد؛ حتی در زمانی که مادرش در تهران جان می‌سپارد. ماهر در ادامه ذکر می‌کند که اقامت او در سوئیس، شروعی مجدد را در پی داشته، یعنی باز هم از صفر شروع کرده است؛ یعنی القای این مطلب که از ایران پول و سرمایه‌ای را خارج نکرده و انقلاب اسلامی به زور اموال او را تصاحب کرده است!!!

حال آنکه می‌توان به واقع حدس زد که ماهر عوض فرار به دلیل حمایت‌های آشکارش از اسراییل، و صهیونیست بودن و تکاپوهای مالی و اقتصادی فراقانونی، ترجیح داده که طی یک فرآیند قانونی حداکثر مالی را که می‌تواند، به خارج منتقل کند و از ایران خارج شود.

در تعامل با یهودیان ایران

ماهر ضمن بیان بی‌مهری‌ها و کم‌لطفی دوستان و همراهان خود، همواره در سراسر کتاب از لطف و کمک و بخشش خود نسبت به دیگران می‌گوید. در این میان کمک‌های مالی، معنوی و سیاسی او به یهودیان ایران چه قبل از انقلاب و چه پس از آن و چه در ایران و یا خارج از ایران، جایگاه خاصی در این خاطره‌سازی دارد. از جمله:

- واریز کردن هزینه ساخت ده مدرسه از مجموع طرح ایجاد ۲۵۰۰ واحد مدرسه، در سراسر کشور به حساب ویژه وزارت بهداشتی
- کمک به احداث مدرسه ابریشمی و کلیسای ابریشمی از یوسف‌آباد
- تأمین بخشی از بودجه و وسایل لازم برای ایجاد خانه سالمندان



ژاک ماهفر در مراسم دریافت مدال از شیمون پرز

- کمک به سیستم حرارتی مدرسه کوروش با توجه به نیاز آن در زمستان
- کمک به کمیته امداد پس از انقلاب!
- کمک به احداث مسجد هامبورگ!
- برطرف کردن مشکلات اداری ساخت شهرک چشمه
- کمک به دکتر هاشمی برای راه اندازی تولید دارو

ماهفر علاوه بر مشارکت در راه اندازی مراکز یهودی در ایران با حضور فعال خود در تشکیلات اداری و سازمانی یهودیان ایران از جمله انجمن کلیمیان، فعالیت قابل اعتنایی را ساماندهی می کند. از جمله وساطت در حل و فصل اختلاف موجود میان ابراهیم راد و حبیب الله القانیان در نحوه مدیریت انجمن و یا رفع نگرانی یوسف کهن از نحوه تعاملش با جامعه یهودی ها به عنوان نماینده آنها در مجلس و تعامل با سران انقلاب اسلامی برای کاهش خطرات انقلاب نسبت به جامعه یهودیان ایران.

آغازی مجدد در سوئیس

ماهفر پس از خروج از ایران باز در همان رشته تجارت دارو در ژنو فعالیت های خود را در ارتباط با اشخاص یهودی همچون ادموند سافر از یهودیان لبنانی مستقر در موناکو، نسیم گائون که دختر بزرگش با پسر حثیم هرتر وگ رئیس جمهور سابق اسرائیل ازدواج کرد و یا ژوزف بن شانون، شرکت جدیدی را به نام شمد راه اندازی می کند.

ماهفر با اقامت در شهر بین‌المللی ژنو که مقر سازمان ملل هم در آن قرار دارد، ارتباطات فراملی خود را در اسرائیل و آمریکا افزایش می‌دهد

ماهفر علاوه بر فعالیت تجاری، عضو انجمن کلیمیان ژنو می‌شود و اولین رستوران کاشر در آنجا را نیز راه‌اندازی می‌کند. او فعالیت‌های سیاسی و علمی را نیز با تجارت در هم می‌آمیزد تا از هر کدام به نفع خود و یهودیان و نهایتاً صهیونیسم بهره‌ای ببرد.

از جمله این فعالیت‌های سیاسی بسیج بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران برای رفع اتهام از ۱۳ جاسوس یهودی در شیراز و فشار برای آزادی آنهاست. او برای اولین بار کوفی عنان، که همسری یهودی دارد را مجاب می‌نماید تا با سفر به تهران در آزادی این ۱۳ جاسوس تلاش نماید. ماهفر با اقامت در شهر بین‌المللی ژنو که مقر سازمان ملل هم در آن قرار دارد، ارتباطات فراملی خود را در اسرائیل و آمریکا افزایش می‌دهد. اگر چه در ابتدای ورود او به آمریکا خاطره بدی از نحوه برخورد مأمورین امریکایی به ذهن می‌سپارد.

کمک او به فعالیت‌های علمی احسان یارشاطر یا منوچهر امیدوار یا آمون نتصر با توجه به دوستی دیرینه آنها با یکدیگر به ماهفر این اجازه را می‌دهد تا از سرمایه مالی خود به عنوان یک صهیونیست ایرانی در اسرائیل منشأ خدمات ویژه‌ای برای صهیونیسم باشد؛ به خصوص با توجه به رابطه نزدیکی که با افرادی همچون ایگال آلون وزیر جنگ رژیم



مراسم جشن اسرائیل بوندس، ژنو، پاییز ۱۳۷۰ شمسی / دسامبر ۱۹۹۱ میلادی، از چپ: آریل شارون، ژاک ماهفر و نسیم گائون

صهیونیستی داشته است. از جمله:

- تأسیس کنیسای ژاک ماهفر در کفرسابا در فلسطین اشغالی
 - کمک به راه‌اندازی بخش ناشنوایی بیمارستان بزرگ تل‌هاشومر
 - کمک به راه‌اندازی بنیاد کودکان ایران
 - تأسیس کلینیک دندانپزشکی در حیفا
 - تأسیس کلینیک دندانپزشکی در اشدود و تعریف شائول موفاز از این اقدام او
 - کمک به انتشار کتاب ایوب ابراهیمی به نام/صفهان نصف جهان
 - کمک به بخش پژوهشی بیماری کرونر در بیمارستان هداسا
 - کمک به توزیع برخی آثار تولیدی در مورد تاریخ و دین یهود
 - کمک به طرح پژوهشی - آموزشی - تاریخی دادو برای آشنایی بیشتر یهودیان جوان با تاریخ اجتماعی و نقش رهبران سیاسی اسرائیل با کمک شلمو گازیت
 - کمک به مرکز مطالعات دانش‌آموزی گالیلی
 - کمک به ایرانیکا با همراهی احسان یارشاطر
 - کمک به راه‌اندازی خانه آلون در کیبوتص گی نو سار
 - کمک به نشر پادیاوند از آثار آمنون نتصر
 - کمک همه‌جانبه به راه‌اندازی مرکز پژوهش‌های تاریخی یهود ایران در دانشگاه اورشلیم
- و...

اگر چه ماهفر به عنوان یک یهودی اصیل که همواره دنبال پول و امنیت بود، هیچ وقت به قصد اقامت به اسرائیل نرفت و ترجیح داد تا با پول و اعتبار خود به صهیونیسم کمک رساند، ولی خدمات او به صهیونیسم آنقدر اهمیت داشته و دارد که در عین گمنامی در کنار سایر یهودیان سرشناس ایرانی در دنیا و به ویژه امریکا، موفق به کسب نشان و مدال‌هایی از سوی صهیونیست‌ها می‌شود تا بیش از پیش جایگاه او در نزد یهودیان و صهیونیست‌ها متبلور و بازشناسایی شود از جمله این نشان‌ها:

- اعطای مدال افتخار ریاست‌جمهوری اسرائیل که تنها افرادی خارج از اسرائیل همچون اوباما، هنری کسینجر، الی ویزل و بیل کلینتون موفق به دریافت آن شده‌اند.
 - دریافت نشان لژیون دونور بالاترین نشان کشور فرانسه از دست نیکولا سارکوزی
 - تقدیر ژاک شیراک از تلاش او برای آزادی ۱۳ جاسوس یهودی ایرانی
 - دریافت لوح تقدیر اسرائیل بوندس از دست آریل شارون در لندن
- و...





مراسم جشن حمایت از پژوهش‌های ایران‌شناسی دانشنامه ایرانیکا در دانشگاه کلمبیا، نیویورک، بهار ۱۳۸۶ شمسی / ۲۰۰۷ میلادی
از چپ: فرح پهلوی، احسان یارشاطر و ژاک ماهفر

نتیجه

«هیچ کس ما را دوست ندارد.»

این جمله‌ای است که ماهفر در جاهای مختلف کتاب به ذکر آن پرداخته است که مورد توجه عده زیادی از یهودیان نیز قرار گرفته و روی آن مانور می‌دهند. این جمله خلاصه داستان یک عمر رابطه یهودیان با غیر یهودیان است که مخصوص ایران و اروپا نیز نمی‌باشد بلکه بسیاری از مردم دنیا این داستان را تجربه کرده‌اند؛ و حال آنکه هیچ وقت به این سؤال پاسخ داده نشده است که چرا در عین خوبی و خدمت یهودیان به غیر یهودیان باز هم اینقدر مورد تنفر هستند؟

محققین یهودستیزی بر این اعتقادند که دلائل متعددی وجود دارد که این تنفر را ایجاد می‌کند که مهم‌ترین آنها پول پرستی و زراندوزی آنان است که از طریق ربا ضربه مهلکی به جامعه غیر یهودی وارد می‌شود و ایضاً سنگ‌دلی و شقاوت آنها.

از میان دلائل دیگر، همین دو دلیل به وضوح در سراسر کتاب ماهفر وجود دارد. تلاش بی‌وقفه و بی‌امان او در رسیدن به پول به اشکال و راه‌های مختلف از خردسالی تا کهنسالی نمونه بارز از این کارنامه است و دلیلی ندارد که اگر او خدمت کرده است، فرار را بر قرار ترجیح دهد و در خارج از کشور باز هم به فکر اقدام علیه امنیت و منافع ملی

ایرانی که در آن متولد شده و از مواهب آن استفاده کرده، باشد. تصاویر متعدد در سراسر کتاب که با افتخار در کنار جنایتکارانی همچون پرز، شارون، موفاز، گلدامیر، ایگال الون، دان حالوتص، ایتان الياهو، ايهود باراک، اسحاق رابین، حئیم هر تزوگ و... که هر کدام حداقل یک جنایت در کارنامه خود علیه فلسطینی‌ها و بشریت دارند، جز هم‌نشینی با جنایتکاران چه افتخاری را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند؛ و آیا با این سابقه باز هم می‌توان تنفر نورزید.

این خاطره‌سازی‌ها که همچنان ادامه دارد و در آینده نزدیک با رونمایی از کتاب پیاده *توافق* پرویز نظریان برگ دیگری از کتاب خبثت آنها ورق می‌خورد، با هدف تهاجم تبلیغاتی با شکل علمی به حقانیت انقلاب اسلامی و القای این مفهوم موهوم است که در ایران به یهودیان ظلم شده است در حالی که آنها خدمت کرده‌اند!!! و ایران اسلامی به آنها بدهکار است.

باشد تا صبح دولتشان بدمد.

والسلام

